

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

طاهره بارئی

فرستنده: فرح نوتاش

۲۹ جولای ۲۰۲۰

## یک بار دیگر کرونا، یک بار دیگر احترام به حق حیات جهان گیاهی



هیچ کس دیگر منکر این نیست که کره زمین مؤلفه های دفاعی خود را تحلیل برده است. و باز حرف تازه ای نیست که ویروس کرونا و عدم توان مهار آن توسط جامعه بشری نوعی پاتک طبیعت به تجاوز های مکرر بشر به قلمرو طبیعت محسوب می شود. اکولوژیست ها در تب و تابند تا دوچرخه را جایگزین اتومبیل و قطار شبانه را جایگزین سفر با هواپیما کنند. با هدف کدام نتیجه؟ جلوگیری از آلودگی هوا. اما ندیدیم هیچ جا از صدمه ای که قطع بی رویه درختان در شهر با بهانه

های پوچ، و تجاوزی که به قلمرو گیاهان انجام گرفته در بررسی های اخیر اکولوژیست ها جایی قابل توجه داده باشند. در محله ما تقریباً قریب به اتفاق همسایگان درختهای حیاطشان را قطع کردند تا بتوانند حمام آفتاب بگیرند. هیچکدامشان دلش به اهمیت مقدار تصفیه هوائی که این برگها انجام می دادند نسوخت. شهرداری برخی درختان قدیمی و گیاهان قدیمی را هم قطع کرد و جایش گیاهان کوتاه و کم دوامی کاشت تا هم یک اثری از فضای سبز در حد حداقل باشد، هم مانع تابش تند آفتاب برای کسانی که روی نیمکت ها می لمبندند به وجود نیاید. ما چندین درخت گل یخ خیلی قدیمی داشتیم که تابستانها پر از برگ و زمستانها پر از گل های عطر آگین بودند. روزی که باغبانهای شهرداری برای قطع آنها آمده بودند، به آنها التماس کردم که دست از سرشان بردارند. پذیرفته نشد، مأموریتشان را باید انجام می دادند. جای آنها را نوعی گیاه سبز کم برگ گرفت که به زحمت خودشان را سر پا نگاه می داشتند. یادم هست در پارک مشهور لوکزامبورگ چندین درخت جنگلی ذغال اخته بود. درختها آنقدر قدیمی بودند که نوک شان دیده نمی شد و تابستانها غرق ذغال اخته که هنوز فرانسوی ها آن را بعنوان خوردنی تشخیص نداده و امتحان نکرده اند هر چند انواع توت های مشابه جنگلی را استفاده می کنند و بسیار هم طرفدار دارند.

حساب آنها را هم رسیدند و من فقط یكروز گودالی را که از بیرون کشیدن ریشه آنها به وجود آمده بود دیدم. رفتم باغبانها را پیدا کردم و علت را پرسیدم. گفتند میوه هایش می ریخت زمین و زمین را کثیف می کرد. می بینید؟ زمین را میوه های قرمز کثیف می کنند پس موجودات زنده ای که دهها سال عمر دارند از حق حیات طبیعی خود در زمینی که همانقدر سرزمین آنهاست که سرزمین انسانها، با تیر انسان محروم می شوند. آشنائی که در هالند زندگی می کند می گفت آنجا هم درختان نیرومند و کهن چارمغز و باقی درختان را در باغچه ها معدوم می کنند به این بهانه که برگ می

ریزند. زمین کثیف می شود. اما حالا که هوایشان کثیف شده و دیگر درختهایی نیستند که آن را شب و روز تصفیه کنند و با انواع روشهایی که هنوز برای بشر مشخص نیست نقش دفاعی انسان در برابر میکروبها را ایفاء کنند، اصلاً یاد تفرعن خودشان می افتند؟ چرا می گویم تفرعن؟ چون تفرعن می خواهد کسی یادش نباشد که در خانه طبیعت و درختان مهمان است و پای صاحبخانه را نمی بُرند. انسان از درختان برای میوه آنها، برگ آنها، چوب و ریشه آنها استفاده کرده اما حواسش نیست که درختان وسیله تزئین نیستند و خودشان به عنوان موجودات زنده و گاه هزار باز مفید تر از برخی انسانها، در اقلیم خودشان زندگی می کنند. اقلیمی که بشر به خاطر خیابان کشی و پارک کردن ماشینها ردیف به ردیف آنها را قلع و قمع کرده است.

یک دوست فزیکدان اهل بولیوی داشتم که می گفت از رفتار مردم و بی اعتنایی شان نسبت به حیات درختان و بی احترامی به آنها وحشتزده است. می گفت اهالی کشورش به خصوص آنها که از بازماندگان سرخپوستی هستند می دانند که هر درخت، برای خودش شخصیت دارد، حریم دارد و کسی حق ندارد بدون احترام و اجازه به حریم آنها حتی پا بگذارد، قطع درخت که خود جنایتی محسوب می شود و باید منتظر انتقام خانواده درختان باقی ماند. درختان هم همانطور که اخیراً یک کتاب بسیار پرفروش به نام زندگی مخفی درختان از آن پرده برداشت، دارای خانواده و قبیله ها هستند از هم حمایت می کنند گاه با هم دچار بحران و نزاع می شوند. اگر اعضای جوانتر به غذا نیاز داشته باشند، بزرگتر ها با ریشه های خود غذا را نمی گیرند تا اینها بتوانند از آن استفاده کنند. یعنی یک حمایت جمعی بینشان هست پس حتماً دارای ارتباطات با هم هستند. آنوقت در شهر ها درختها را قطع می کنیم برای جلو کشیدن ساختمان، برای جا باز کردن برای توقف ماشین ها، انگار موجودات زنده ای نیستند و بردگان بی روح بشر بوده اند که تا آنجا که ممکن است آنها را دوشید و هر وقت مانعی سر راه خواستهای بیمورد و گاه حقیر ما بودند از حیطه حیات خارجشان کنیم.

همانطور که دوست بولیویائی من می گفت و کتاب راز پنهان درختان از آن پرده بر می داشت، درختان نیز با خانواده و خویشاوندان خود نزدیک می شوند و حق انتخاب دارند که با چه گیاهانی خودشان را نا موافق حس کرده و نخواهند نزدیک باشند. آنوقت صرفاً با یک انتخاب بر اصل هماهنگی رنگ آنها، منظره شناسان امروز در خدمت شهر سازی، به این قانون بین گیاهی تعدی کرده و گیاهانی را کنار هم می نشانند که هر چند به ذوق بصری ممکن است خوشایند باشد، اما الزاماً برای آن گیاهان خوشایند نیست و چه بسا از آن همزیستی رنج می برند. نشان به آن نشانی که کمتر پیش آمده این قبیل شاهکار ها در محلات شهر ما بیابند. معمولاً بعد از مدتی زرد می شوند و از ریختن می افتند. این نوعی اسکان اجباری و به بردگی گرفتن درختان و گیاهان است. چه توقعی داریم؟ که بعد از اینهمه سال تحمل فشار و از بین رفتن قوانین اکو سیستم، طبیعت همچنان به کار محافظت ما از بیماری ها ادامه دهد؟ همین طبیعت داروخانه و بزرگترین محل تولید معالجه برای بیماری ها بوده و بشر مثل موجودات ندید بدید که قدر هدایا را نمی دانند و فکر می کنند اینها به خاطر چشم و ابروی آنها بوده، قدر این گنجینه زنده و حساس و صاحب اعصاب را ندانسته. آنقدر که امروزه با طغیان و شورش طبیعت روبه رو است.

از همه کسانی که در کشور های مختلف این مطلب را مطالعه می کنند، عاجزانه درخواست دارم نه تنها از درختکاری در حیاط و محله خود کوتاهی نکنند بلکه می خواهم با مراجعه به شهرداری ها و مسؤولین شهر تقاضا کنند به درختانی که پای آنها توالست سگهاست، احترام قائل شده و به درختکاری در شهر روی بیاورند. اگر با محیط زیستی ها کار می کنید یا دوستی در این جمع ها دارید، این پیام را هر جا هستید به آنها برسانید. درختان را به بردگی گرفته ایم. به آنها آزادی و احترام ببخشیم.

دوشنبه ۲۷/۰۷/۲۰۲۰ - منبع - عصر نو